



رنگ‌ها در به تصویر کشیدن تجربه‌های شاعران و افکار درونی‌شان نقش بسزایی دارند. رنگ بر معانی و مفاهیمی دلالت می‌کند که شاعر در تجربه شعری خود با آن‌ها مواجه شده یا در اندیشه خود می‌پروراند. شاعر برای بهتر به تصویر کشیدن ایده و افکار خود از آن تصویر که شامل رنگ‌ها نیز می‌شود، کمک می‌گیرد، اما رنگ‌ها با دلالت رمزگونه‌ای که در خود دارند، برای شاعر این امکان را فراهم می‌آورند که در فضای خفقان، بتوانند به آسانی به بیان افکار خود بپردازند و الگویی برای مقاومت ملت باشند. این جستار بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آثار منظوم یک شاعر نابینا پرداخته و به رمزگشایی رنگ‌ها و دلالت‌های آن‌ها در اشعار او برسد که برای بیان افکارش در مسیر بیداری جهان عرب مدد جسته است. «عبدالله بردونی» شاعر نابینای معاصر یمنی مانند دیگر شاعران عرب، از ظلم حاکمان مستبد عرب در رنج است و برای پیشرفت و تعالی جهان عرب و بیداری آنان از خواب غفلت می‌کوشد و با تکیه بر خیال شعری خود، از رنگ‌ها نمادهایی منحصر به فرد می‌سازد. وی برای بیان مفاهیمی چون شهادت و جانفشانی و نیز برانگیختن شوق مبارزه در هم‌میهنانش از رنگ‌هایی که نماد قیام و امید هستند، بهره می‌برد و از رنگ‌هایی که دلالت بر یأس و ناامیدی دارند، بیزاری می‌جوید. پس از معرفی کوتاه شاعر، درباره اینکه بسامد کدام رنگ‌ها با دلالت‌های نمادین در موضوع مقاومت و بیداری در شعرویش بیشتر است و شاعر در تصویرآفرینی‌هایش چه دلالت‌هایی به این رنگ‌ها بخشیده است، در این نگاره سخن به میان آمده است که از نظرتان می‌گذرد.

رنگ‌ها در چشم شاعر نابینای یمنی

آنچه «عبدالله بردونی» برای «صبح بیداری» یمن سروده است

رویکردی مبارزه طلبانه و بیدار است که یمن و اوضاع نابسامان فرهنگی مردم آنجا از دغدغه‌های اصلی اش به حساب می‌آیند، از این روی با اندیشه اصلاح در این وادی گام نهاد و دست به تألیف کتاب‌هایی با موضوع فرهنگ و دموکراسی زد تا ذهن خفته مردم را به حقیقت نزدیک کند؛ از آن جمله می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: «قضایا یمنیة»، «الثقافة الشعبیة تجارب وأقاویل یمنیة»، «الثقافة و الثورة»، «فنون الأدب الشعبی فی الیمن» و «دیوان البردونی».

تضاد نابینایی و رنگ‌شناسی

بردونی در مدت کوتاه پنج ساله نخست زندگی‌اش از نعمت بینایی برخوردار بود که برخی از رنگ‌ها کمی در ذهنش باقی مانده‌اند. او می‌گوید: «به یاد می‌آورم بعضی از صحنه‌ها را دیده‌ام؛ رنگ‌های سبز و قرمز و زرد، اما این رنگ‌ها را به صورت واضح در خاطر ندارم. فرد نابینا از حواس خود برای به تصویر

متولد دهه ۲۰ در قرن بیستم

«عبدالله بن صالح» ملقب به «بردونی»؛ کاتب، شاعر، ناقد و تاریخ‌نگار یمنی است. او در سال ۱۹۲۸ میلادی دیده به جهان گشود، اما این دیدن دنیا دیری نپایید و او در پنج‌سالگی به بیماری آبله مبتلا شد که منجر به نابینایی شاعر شد. با این حال، زندان نابینایی نتوانست مانع حرکتش در سرودن شعر، حفظ قرآن و علم‌آموزی شود.

در مقدمه دیوان او آمده که از ۱۳ سالگی شروع به سرودن شعر کرده است. در ابتدا بیشتر اشعارش، شکایت از زمان و ناله از بدحالی خود شاعر بوده و به نوعی گرایش هجایی داشته که با خواندن آثار هجائان خود را تسلی می‌داد و بیشتر به خاطر اسباب فقر و محرومیتی بود که مدت مدیدی با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. او در نهایت به دانشگاه بزرگ صنعاراه یافت و پس از آن هم در دارالعلوم تحصیل کرد تا اینکه به عنوان مدرس ادبیات از آنجا دانش‌آموخته شد. «بردونی» شاعری با